نوع مقاله: علمی ـ ترویجی

تبیین ویژگی‌های تفسیر عصری در چهار تفسیر موضوعی معاصر

پریوش حسین‌پور[1]، دکتر سعید عباسی‌نیا[2]، دکتر سید حسام‌الدین حسینی[3]

مشکوة سال سی‌ونهم / ش ۱۴۸ / پاییز ۱۳۹۹

چکیده

تفسیر عصری از مهم‌ترین رویکردهای تفسیری است که خاستگاه آن پاسخگویی به نیازهای معاصر انسان بر اساس عرضهٔ این نیازها به قرآن می‌باشد. بررسی این رویکرد در یک قالب خاص یا یک دورهٔ زمانی مشخص، می‌تواند در زمینهٔ شناخت ماهیت و آگاهی از جایگاه، نقش و تأثیرگذاری آن مفید واقع شود. به‌رغم اهمیت تفسیر عصری، این رویکرد تاکنون به شکل شایسته مورد توجه قرار نگرفته است. از این جهت، در پژوهش حاضر تلاش شده با مطالعهٔ موردی و بررسی تفاسیر موضوعی منشور جاوید، معارف قرآن، پیام قرآن و تفسیر موضوعی قرآن کریم این پرسش بررسی شود: تفسیر عصری در تفاسیر موضوعی معاصر از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ بر اساس یافته‌های پژوهش که با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی و مطالعه و بررسی منابع تفسیری مورد نظر انجام گرفته، روشن گردید که تفسیر عصری از مهم‌ترین رویکردها و دغدغه‌های مفسران

۱. (دانشجوی دکتری) گروه الهیات و معارف اسلامی ـ علوم قرآن و حدیث، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. Parivash.hoseinpour@yahoo.com

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی ـ علوم قرآن و حدیث، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران (نویسندهٔ مسئول). Dr.abasinya@gmail.com

۳. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی ـ علوم قرآن و حدیث، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. shesamhosseini@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲ ـ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۴ (ص ۴ـ۳۲).

موضوعی است که در مجموعه‌های تفسیری مورد نظر نیز بازتاب دارد و این رویکرد در منابع بررسی شده از ویژگی‌هایی همچون: نگرش فراگیر به موضوعات قرآن، طرح نظام‌مند موضوعات، نگرش طولی به موضوعات، جامع‌نگری در طرح موضوع، طرح موضوعات برون‌قرآنی و توجه به علوم انسانی برخوردار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر عصری، تفسیر موضوعی، تفاسیر موضوعی معاصر.

طرح مسئله

زیست و زندگی بشر همواره در حال تحوّل و دگرگونی است. به موازات این تحوّلات، اندیشهٔ بشری نیز همواره کوشیده متناسب با مقتضیات هر زمان، پاسخگوی نیازها، مسائل و دغدغه‌های انسانی باشد. یکی از مهم‌ترین مسائل عصر حاضر این است که آیا دین از این ظرفیت برخوردار است که پاسخگوی نیازهای گستردهٔ امروز بشر باشد؟ در عصر حاضر، این پرسش در سطح مشخص‌تری برای مسلمانان مطرح است؛ زیرا آنان معتقدند که قرآن کتابی است که از سوی خداوند منّان نازل شده و برای همهٔ اعصار آمده و رحمة للعالمین و کتاب نازل شده بر خاتم المرسلین است. امّا این سؤال مطرح می‌شود که چگونه و با چه بیان و روشی؟

بر اساس اندیشهٔ اسلامی، قرآن کریم برحسب رسالت هدایتگری خود، پاسخگوی مسائل بی‌شمار بشری است. در حوزهٔ تفسیر قرآن، رویکردی شکل گرفته که در اصطلاح به «تفسیر عصری» تعبیر می‌شود. «تفسیر عصری رویکردی تفسیری است که خاستگاه آن پاسخگویی به نیازهای معاصر انسان بر اساس عرضهٔ این نیازها به قرآن می‌باشد. در این نوع رویکرد، مفسر می‌کوشد دغدغه‌ها، نیازها، چالش‌ها و شبهات عصر خود را بر قرآن عرضه دارد و براساس پیام‌های دریافت شده از قرآن، حقیقتی جدید و پیامی متناسب با مقتضیات زمان و شرایط عصر خود ارائه دهد» (معرفت، ۱۳۷۹: ۲/ ۴۵۹).

رویکرد تفسیر عصری در دورهٔ معاصر در روش‌ها و قالب‌های مختلفی پیگیری شده، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «تفسیر موضوعی» است. کارکردها و مزیت‌های تفسیر موضوعی، سبب توجه مفسرانی شده که رویکرد تفسیر عصری را پیگیری می‌نمایند. از مهم‌ترین و

بـارزترین کارکردهـا و امتیازهـای تفسـیر موضـوعی معاصـر «پاسـخگویی بـه مسـائل و پرسش‌های جدید و نوظهور بشری» می‌باشد؛ تفسیر موضوعی با مراجعه به قرآن و استنطاق از آن، بـه منظـور شـرح و حـل مشـکلات پـیش‌آمـده در جامعـهٔ انسـانی، کارآمـدترین روش تفسیری برای پاسخگویی به نیازهای عصری وگره‌گشایی از مشکلات جوامع بشری است (حکیم، ۱۳۷۸: ۳۴۵).

عموم تعاریف، هدف از تفسیر موضوعی را به دست آوردن پیام‌ها و نظرگاه قرآن دربارهٔ یک موضوع دانسته‌اند و بسیاری از مفسران معاصر از این روش، برای طرح مسائل عصری اسـتفاده نمـوده‌انـد. بررسـی مختصـات تفسـیر عصـری در یـک دورهٔ زمـانی یـا در قـالبی مشخص، از یک سو می‌تواند در زمینهٔ شناخت جایگاه و نقش این رویکرد در حوزهٔ تفسیر مؤثر باشد و از سوی دیگر، در حوزهٔ شناخت بهتر گرایش‌ها و ویژگی‌های آن قالب تفسیری مفید باشد، ولی تاکنون به شکل شایسته به آن نپرداخته‌اند.

پیشـینهٔ تفسـیر موضـوعی مربـوط بـه دورهٔ معاصـر نبـوده و در همـهٔ ادوار، نـوعی تفسـیر عصری متناسـب بـا تحـولات علمـی و فکری و اجتمـاعی زمـان خـود وجـود داشـته اسـت، لیکن تفسیر موضوعی عصری به تازگی و در قرن معاصر به وجود آمده و روبه گسترش نهاده است. این رویکرد تا عصر حاضر دستاوردهای فراوانی داشته، اما خلأهایی در آن وجود دارد که ایدهٔ کارآمدی تفسیر عصری را به چالش می‌کشاند.

کاوش در مجموعه‌های تفاسیر موضوعی معاصر این پرسش بنیادین بررسی می‌شود که تفسیر عصری در تفاسیر موضوعی معاصر از چه مختصاتی برخوردار است؟

در ایـن زمینـه منبـع و پژوهشـی در دسـترس نیسـت کـه بـه صـورت مسـتقل و جـامع ایـن مسئله را بررسی کرده باشد. البته در برخی تحقیقات و منابع، ویژگی‌های تفسیر عصری در تفاسیر معاصر مطرح شده است (به‌صورت عمومی که شامل تفاسیر ترتیبی و موضوعی می‌شود)؛ از جمله: محمدعلی ایازی در کتاب **قرآن و تفسیر عصری**، هشت ویژگی برای رویکرد تفسیر عصری در دورهٔ معاصر مطرح نموده که عبارت‌اند از: ۱. انتقال و توضیح شرایط عصر نزول؛ ۲. پاسخ به نیازها؛ ۳. نقد اندیشهٔ دینی؛ ۴. طراوت در عرصه؛ ۵. پاسخ

به شبهات؛ ۶. تأکید بر بُعد هدایتی و تربیتی؛ ۷. روش تطبیق و مقایسه؛ ۸. تفسیر علمی (ایازی، ۱۳۷۸: ۱۸۲_۱۹۴).

حسین علوی‌مهر در کتاب **آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران**، از هفت ویژگی رویکرد تفسیر عصری در تفاسیر نام برده که عبارت‌اند از: ۱. پاسخگویی به شبهات و نیازهای فکری قرن حاضر؛ ۲. توجه به عقل و عقل‌گرایی در تفسیر؛ ۳. توجه به بُعد هدایتی و تربیتی؛ ۴. توجه به بُعد اجتماعی؛ ۵. حرکت جهادی؛ ۶. تأکید بر وحدت موضوعی قرآن کریم؛ ۷. تأکید بر وحدت موضوعی سوره‌های قرآن کریم (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۵۷).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این‌ها ویژگی‌های کلی و عمومی رویکرد تفسیر عصری در دورهٔ معاصر است.

در این پژوهش تلاش خواهد شد با کندوکاو در مجموعه‌های تفسیر موضوعی، به‌خصوص آن‌هایی که از جامعیت نسبی برخوردار هستند، ویژگی‌های تفسیر عصری در تفاسیر موضوعی معاصر بررسی شود.

گرایش مفسران معاصر به تفسیر موضوعی با رویکرد عصری

تفسیر موضوعی، ازجمله روش‌هایی است که به تازگی و در قرن معاصر در حوزهٔ تفسیر قرآن به وجود آمده و به‌کارگیری آن، به سرعت رو به گسترش نهاده است (مسلم محمد، ۱۴۱۰: ۱۷). اگرچه برخی از قرآن‌پژوهان، موضوعاتی نظیر: آیات الأحکام، ناسخ و منسوخ، و محکم و متشابه را که در سده‌های پیشین مورد توجه بوده است، در شمار تفسیر موضوعی آورده‌اند (ذهبی، ۱۳۹۶: ۱/ ۱۴۸_۱۴۹)، اما موضوعات و روش‌های ابتدایی آن‌ها با روش تفسیر موضوعی معاصر متفاوت است و می‌توان تفسیر موضوعی را به‌عنوان روشی جدید معرفی کرد و تاریخچهٔ آن را مربوط دورهٔ معاصر دانست.

در دورهٔ معاصر بسیاری از مفسران و قرآن‌پژوهان استفاده از تفسیر موضوعی را بهترین روش برای طرح مسائل عصری دانسته‌اند؛ همچنان‌که شهید صدر تفسیر موضوعی را تنها روش صحیح و جامع برای پاسخگویی به نیازهای عصر دانسته و آورده است: در دورهٔ

معاصر مفسران و متفکران مسلمان در رویارویی با این مکاتب می‌بایست اسلام را آن‌گونه که هست، به‌عنوان یک نظام و مجموعهٔ منسجم و یک مکتب زنده و سازنده شناسایی و معرفی نمایند. اگر قرار باشد که دین اسلام را به‌عنوان یک مکتب زنده و زندگی‌ساز در برابر دیگر مکاتب عرضه کنیم، ناگزیریم از این روش سود ببریم؛ چرا که روش تفسیر ترتیبی با وجود ویژگی‌های مثبت، کافی نیست و ارائهٔ یک شناخت جامع، ناتوان است (صدر، ۱۳۹۹: ۳۳).

عوامل و انگیزه‌های مختلفی سبب شده که مفسران از این روش، برای طرح مسائل عصری استفاده کنند؛ یکی از مهم‌ترین آن‌ها پیدایش مکاتب فکری ـ اجتماعی مختلف در عصر حاضر می‌باشد (مصباح، ۱۳۹۳: ۱/ ۱۹).

انگیزهٔ دیگر، محدودیت و ناکارآمدی تفسیر ترتیبی در ارائهٔ نگرش قرآن است؛ تفسیر ترتیبی به‌خاطر عطف توجه به آحاد آیات و عدم امکان نگرش هم‌زمان به آیات مرتبط با یک موضوع، از انعکاس نگرش جامع و چندسونگر دربارهٔ موضوع ناتوان است (صدر، ۱۳۹۹: ۳۴ـ۳۵).

مشاهدهٔ انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در مقابل رشد تمدنی غرب، یکی دیگر از عوامل و زمینه‌های گرایش مفسران معاصر به تفسیر موضوعی با رویکرد عصری است (جلیلی، ۱۳۸۷: ۳۰). در آغاز سدهٔ چهاردهم، پیشرفت علوم و صنعت و گسترش تمدن غرب از یک سو و انحطاط و واپس‌گرایی مسلمانان از سوی دیگر، مفسران و مصلحان اسلامی را بر آن داشت تا با مطالعهٔ پیشینهٔ جوامع اسلامی و مقایسهٔ آن با وضعیت تیره‌گون و آشفتهٔ عصر خویش، راز عقب‌ماندگی جوامع خود را دریابند و پاسخی برای این معضل پیدا کنند. طبعاً رهاورد این پویش، بازگشت به قرآن بود. البته بی‌گمان چنین بازگشتی، تفسیر قرآن را به سبک و سیاق پیشین برنمی‌تابید و راه و روش دیگری در تفسیر را می‌طلبید (یساقی و ایازی، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

نتیجه آنکه در دورهٔ معاصر، تحولات مختلف فکری و اجتماعی، طرح شبهات و مسائل گوناگون جدید و نیازهای انسان معاصر، مفسران را بر آن داشت تا بیش از پیش با

استفاده از روش تفسیر موضوعی و به میزان بهره‌مندی از علوم و تجربیات بشری، برای حل مشکلات و مسائل عصر خود به قرآن رجوع کنند.

ویژگی‌های تفسیر عصری در تفاسیر موضوعی معاصر

رویکرد تفسیر عصری در هر قالب تفسیری، ویژگی‌های خاصی دارد که در ادامه تلاش خواهد شد مختصات این رویکرد تفسیری، شناسایی شود. بدیهی است پرداختن به همهٔ ویژگی‌ها در قالب یک مقاله مشکل است، از این رو در پژوهش حاضر، شش ویژگی برجسته بررسی می‌شود:

۱. نگرش فراگیر به موضوعات قرآن

تفسیر موضوعی در سده‌های پیشین تنها بخش‌هایی از موضوعات قرآنی را مورد نظر قرار می‌داد، اما تفسیر موضوعی معاصر، تکثر و گستردگی موضوعاتش به بلندای اندیشهٔ بشری است؛ در حالی‌که مفسر ترتیبی، خود را در یک مدار محدود؛ یعنی حرکت از متن به متن مقید و محصور ساخته است، مفسر موضوعی در میدانی که گستردگی افقش وسیع‌تر و نهال وجودش پربارتر است، گام برمی‌دارد (صدر، ۱۳۹۹: ۲۲).

با مطالعهٔ مجموعه‌های تفسیری معاصر و موضوعات مطرح شده در آن‌ها روشن می‌شود که این مفسران کوشیده‌اند با نگرشی نظام‌مند، مجموعهٔ آموزه‌های قرآن را در چهارچوب یک نظام فراگیر و جامع بررسی کنند، به‌گونه‌ای که حتی‌الامکان از هیچ آموزهٔ قرآنی غفلت نشود؛ به‌عنوان نمونه، مؤلف کتاب **معارف قرآن** (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۲۱/۱ـ۲۴) کوشیده است مجموعهٔ آموزه‌های قرآنی را در قالب نظام کلی با ده محور، جای دهد و در هر محور، شاخه‌ها و ابعاد گوناگون مرتبط با آن را بررسی نماید:

محور اول: خداشناسی، که شناخت خدا، توحید، صفات و کلیات افعال الهی را دربرمی‌گیرد.

دوم: کیهان‌شناسی، که آفرینش جهان (زمین، آسمان‌ها و ستارگان)، پدیده‌های جوی (رعد، برق، باد، باران و...)، پدیده‌های زمینی (کوه‌ها، دریاها و...) و موضوعاتی همچون

عرش، کرسی، فرشتگان، جن و شیطان را شامل می‌شود.

سوم: انسان‌شناسی، که به مباحث آفرینش انسان، ویژگی‌های روح، کرامت و شرافت انسانی، مسئولیت و شرایط آن (آگاهی، قدرت عمل، اختیار)، ابعاد مختلف وجود انسان، سنت‌های الهی در تدبیرات فردی و اجتماعی، معاد و سرنوشت نهایی بشر می‌پردازد.

چهارم: راه‌شناسی، که شامل مباحث شناخت‌های عادی (انواع علم حضوری و حصولی متعارف) و غیرعادی (الهام و وحی) می‌شود و در آن، مسئلهٔ نبوت و ضرورت بعثت انبیاء و هدف آن، و نیز مقامات ایشان (نبوت، رسالت، امامت)، اعجاز و عصمت و سرانجام، مسئله جانشینی انبیاء (امامت به معنای خاص) مطرح می‌شود.

پنجم: راهنماشناسی، که شامل مباحث تاریخ انبیاء و ویژگی‌های هریک و کتاب‌هایی که برایشان نازل شده و محتویات آن‌هاست و به تاریخ پیغمبر اکرم ﷺ و حوادثی که در زمان حیات آن حضرت اتفاق افتاده می‌انجامد و در آن، تاریخ اقوام و ملل و دیگر داستان‌های قرآن مطرح می‌گردد.

ششم: قرآن‌شناسی، که مباحث کلی دربارهٔ قرآن وویژگی‌های آن، هدف نزول، کیفیت نزول، اعجاز، جهانی بودن، ابدی بودن، اسلوب بیان (استدلال عقلی، موعظه، جدل، تمثیل، قصص و...) و مباحث محکم و متشابه و تأویل را شامل می‌شود.

هفتم: اخلاق یا انسان‌سازی، که به مباحث خودشناسی و خودسازی، خیر و شر در افعال اختیاری و رابطهٔ آن‌ها با کمال و سعادت نهایی، روش تربیت و تزکیهٔ قرآن، نقش ایمان و عمل و بیان رابطهٔ آن‌ها با یکدیگر و علم و سرانجام، به تفاصیل اخلاق فاضله و رذیله می‌پردازد.

هشتم: برنامه‌های عبادی، که شامل مباحث نماز، روزه، حج، قربانی، دعا و ذکر می‌شود و مصالح اجتماعی بسیاری نیز در آن منظور شده است.

نهم: احکام فردی، که شامل حلال و حرام در خوردنی و نوشیدنی و تجمل و زینت می‌باشد.

دهـم: احکـام اجتمـاعی کـه مباحـث اجتمـاعی، حقـوقی، سیاسـی و اقتصـادی را دربرگرفتـه، بـه بخش‌هـای فرعـی احکـام مـدنی، اقتصـادی، قضـایی، جزایـی، سیاسـی و بین‌الملل منقسم می‌گردد.

البتـه معمـولاً هریـک از بخـش‌هـای فرعـی ، مباحـث متعـددی را شـامل می‌شـود کـه می‌کوشد زوایای مختلف آن‌ها را مطرح کند.

مفسـر ضـمن طـرح موضـوعات برگرفتـه از قـرآن، موضـوعات مـورد نیـاز انسـان معاصـر را بررسی می‌کند؛ محورهای اول تا ششم، نمونهٔ موضوعات با رویکرد درون‌قرآنی، و هفتم تا دهـم موضـوعات بـا رویکـرد بـرون‌قرآنـی اسـت. طـرح ایـن موضـوعات بـه‌صـورت آمیختـه و ترکیبی انجام شده و پرداختن به هریک از موضوعات درون‌قرآنی، موضوعات برون‌قرآنی مرتبط با آن موضوع را نیز دربرمی‌گیرد، و به عکس.

توجه به طرح موضوعات قرآنی در محورهای مختلف در دیگر مجموعه‌های تفسیری مشهود است؛ از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی در **پیام قرآن** با طرح این مسئله که تفسیر موضوعی در دوره‌های پیشین از فراگیری در طرح موضوعات برخوردار نبوده، آورده است:

تفسـیر موضـوعی هرچنـد بـه‌صـورت مقطعـی و برمحـور موضـوعات خـاص درکلمـات علمای گذشته بسیار دیده می‌شود، ولی باید اعتراف کرد که هیچ‌کدام دست‌کم تا آنجا کـه مـا سـراغ داریـم، تفسـیر موضـوعی را در تمـام محورهـا مطـرح نکـرده اسـت. آثـار پیشـین محدود به یک موضوع خاص بوده و موضوعات قرآن را به‌صورت گسترده و فراگیر مطرح نکرده‌اند، ولی ایـن مسئله در آثار تفسیری اخیر مورد توجه قرارگرفته است. هریک از این کتاب‌ها ناظر به تفسیر موضوعی در یک شاخهٔ محدود معیّن است، نه یک تفسیر کلی و جـامع پیرامـون تمـام موضـوعات قـرآن. لـیکن در ایـن اواخـر، تـلاش‌هـای قابـل توجهی بـرای تفسیر موضوعی قرآن به‌طور گسترده صورت گرفته که شایان هرگونه تقدیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۱/ ۲۹ـ۳۱).

پیـام قـرآن در ده جلـد نگاشـته شـده کـه مباحـث علـم و معرفـت، خـداجویی و خداشناسی، راه‌های معرفت و شناخت خدا، صفات جمال و جلال، معاد، منزلگاه‌های

قیامت، نبوت عامه، نبوت خاصه، امامت و ولایت و حکومت اسلامی را دربر می‌گیرد و نشان از نگرش فراگیر ایشان به موضوعات قرآن دارد.

آیت‌الله جوادی آملی نیز بر اساس نگرش جامع و فراگیر به موضوعات قرآنی کوشیده است در **تفسیر موضوعی قرآن کریم** موضوعات را در محورهای مختلف و متنوع بررسی کند؛ ایشان با توجه به آنکه قرآن کریم به سه مسئلهٔ توحید، معاد و رسالت بیش از دیگر موضوعات می‌پردازد، در این تفسیر به این سه موضوع به‌صورت گسترده و جامع پرداخته است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲ / ۲۴ ـ ۲۵).

ایشان موضوعات قرآنی را در هشت محور کلی مشخص نموده و هر محور را در یک یا چند مجلد به‌صورت بخش‌های جزئی تقسیم‌بندی و بررسی کرده‌اند؛ محورهای هشت‌گانهٔ **تفسیر موضوعی قرآن کریم** شامل موارد ذیل است:

محور اول، قرآن‌شناسی و وحی‌شناسی؛ دوم، خداشناسی و توحید؛ سوم، مبدأ و معاد؛ چهارم، نبوّت عامه و سیرهٔ انبیاء؛ پنجم، اخلاق؛ ششم، معرفت‌شناسی و شناخت‌شناسی؛ هفتم، انسان‌شناسی و در محور هشتم، جامعه مطرح و بررسی شده است.

موضوعات مطرح شده حاصل نگرش فراگیر مفسر در مسائل قرآنی است. وی با نگرش نظام‌مند مجموعهٔ آموزه‌های قرآن را در چهارچوب یک نظم فراگیر و گسترده دسته‌بندی و مطرح نموده است.

آیت‌الله سبحانی نیز در **تفسیر منشور جاوید** ضمن تأکید بر اهمیت ارائهٔ تفسیری که بتواند با نگرشی فراگیر و جامع، مفاهیم قرآن را تفسیر کند، تصریح کرده که یکی از اهداف نگارش و تدوین این مجموعهٔ تفسیری، پاسخگویی به همین هدف بوده و آورده است:

شکی نیست که تفسیر موضوعی جامع که بتواند غالب مفاهیم قرآن را تفسیر کند، به گروه‌های علمی و تحقیقی نیاز دارد که هریک مسئولیت خاصی را در این مورد به عهده بگیرد. پیش‌تر باید دسته‌ای که آشنایی با قرآن داشته باشند، آیات را طبق موضوعاتی که در قرآن مطرح شده، جمع و تقسیم‌بندی کنند. سپس نتیجهٔ کار خود را در اختیار

محققان اسلامی بگذارند و هر یک گوشه‌ای از این موضوعات را به روش خاصی تفسیر کند و نظر قرآن را در آن به روشنی به دست آورد، ولی تا رسیدن به این کار بزرگ، نگارنده پاره‌ای از موضوعات را به‌صورت تفسیر موضوعی نگاشته و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد (سبحانی، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۹_۲۱).

ایشان ضمن تأکید بر لزوم نگارش تفسیری جامع که غالب مفاهیم قرآن را دربرگیرد، اذعان داشته‌اند که تا انجام این کار سترگ تفسیر نگاشته شده توسط ایشان در پاره‌ای از موضوعات راه‌گشا خواهد بود و نگارنده ادعای نگرش فراگیر به موضوعات را ندارد.

با در نظر داشتن مجموعه‌های تفسیری معاصر و دیدگاه‌های مفسران و تفسیرپژوهان، چنین برمی‌آید که توجه به طرح کلان و فراگیر موضوعات قرآن، به شکلی که مهم‌ترین مسائل برخاسته از نیازهای انسان معاصر را پاسخ دهد، از مهم‌ترین ویژگی‌های رویکرد تفسیر عصری در تفاسیر موضوعی معاصر می‌باشد.

۲. جامع‌نگری در طرح موضوع

یکی دیگر از ویژگی‌های برجستهٔ تفسیر عصری در تفاسیر موضوعی معاصر، ارائهٔ نگرشی جامع از موضوع است. یکی از امتیازات تفسیر موضوعی نسبت به تفسیر ترتیبی، طرح موضوع به‌صورت جامع و گستردگی افق بحث می‌باشد. در تفسیر ترتیبی، با توجه به گسترهٔ وسیع آیات و ابعاد مختلف موضوعات، مباحث متنوع و دامنه‌داری مطرح می‌گردد و نمی‌توان چندان درنگ و تعمّق نمود. برخلاف تفسیر موضوعی که دربارهٔ یک یا چند موضوع مرتبط با هم به بحث می‌نشیند و شتاب ندارد و نمی‌خواهد هرچه زودتر به انتهای قرآن برسد؛ زیرا چنین تعهّدی ندارد و تا هرجا که شرایط فراهم بود، پیش می‌رود. بنابراین، در تفسیر ترتیبی، علوم و معارف قرآنی به اجمال و گاه سطحی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ اما در تفسیر موضوعی، جامع‌نگری، تفصیل مباحث و عمق اندیشه حکمفرماست (معرفت، ۱۳۷۹: ۲/ ۵۲۷_۵۲۸). بنابراین، موضوع تفسیر به شیوهٔ ترتیبی، موضوعی وسیع ولی تا اندازه‌ای سطحی است و در تفسیر موضوعی محدود، اما عمیق است.

بررسی همه‌جانبهٔ سؤالات سبب می‌شود که مخاطب بهتر اقناع شود وحالت انتظار یا ابهام و شبهاتِ بدون جواب ایجاد نمی‌کند و دیدگاه نهایی قرآن را در مورد موضوع روشن می‌سازد (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۹۱).

ازاین‌رو، بررسی جامع و همه‌جانبهٔ مسئله به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف در تفسیر موضوعی معاصر معرفی شده است (صدر، ۱۳۹۹: ۳۳ـ ۳۷).

از جمله آثاری که می‌توان به عنوان تفسیر جامع‌نگر معرفی نمود، **تفسیر موضوعی قرآن کریم** آیت‌الله جوادی آملی است. این اثر در یک نگرش جامع، هریک از موضوعات را به‌گونه‌ای بررسی کرده که حتی‌الامکان تمام جنبه‌ها و زوایای مختلف آن تبیین گردد. به‌عنوان نمونه، موضوع هدایت در جلد شانزدهم این اثر با عنوان هدایت در قرآن، در قالب ۵ بخش و ۲۷ فصل تدوین شده است:

بخش یکم: کلیاتی دربارهٔ هدایت در نُه فصل: آشنایی اجمالی با هدایت؛ راه‌های شناخت حقیقت هدایت؛ حقیقت هدایت؛ ضرورت هدایت؛ ارکان هدایت؛ گستره هدایت؛ انواع هدایت؛ برکات پیروی از هدایت الهی؛ فرجام ره‌یافتگان وگم‌شدگان.

دوم: منشأ و مظاهر هدایت خداوند در دو فصل: منشأ هدایت خداوند؛ مظاهر هدایت خداوند.

سوم: انواع رسالت‌ها و هدایت‌های قرآن در هفت فصل: انواع رسالت‌های قرآن؛ انواع هدایت‌های قرآن؛ ویژگی‌های هدایت قرآن؛ آثار تلاوت قرآن در هدایت انسان؛ شرایط بهره‌وری از هدایت قرآن؛ شیوه‌های هدایت در بیان قرآن؛ راه‌یافتگان به هدایت قرآن.

چهارم: راهیابی انسان به هدایت قرآن در سه فصل: چگونگی هدایت انسان در قرآن؛ مسیر هدایت انسان؛ راهکارهای هدایت انسان.

پنجم: مبدأ و مظاهر ضلالت و راه گریز از آن در شش فصل: ماهیت ضلالت و اضلال؛ زمینه‌های ضلالت؛ پیامدهای ضلالت؛ چگونگی اضلال شیطان؛ شیطان و رهزنی او؛ نیروهای مزاحم و راه مبارزه با آن‌ها.

تمام این بخش‌ها و فصل‌ها که تحلیل و تفسیر ابعاد مختلف موضوع را دربردارند،

حاصل نگاه جامع مفسر بوده و تلاش شده بررسی و تبیین شایسته و جامع صورت گیرد و با پرهیز از طرح تک‌بُعدی و یک‌سونگر، مباحث در سه بُعد بینشی، عاطفی و رفتاری مطرح شوند. همچنین سطوح پاسخگویان، ابعاد مادی و معنوی پاسخگویان، نوع پاسخ، کیفیت پاسخگویی، اصول و روش پاسخ، و نیز همهٔ ابعاد پاسخ را منظور کند. پاسخ‌ها نباید مقطعی و موردی و برای رفع تکلیف بوده و به یک بُعد از ابعاد مسئله توجه کند. این شیوهٔ آیات الهی است که در پاسخ مخاطبان از جنبه‌های مختلف پاسخ و پرسشگر غفلت نکند و به گسترهٔ پرسشگران با سطوح مختلف و نگرش‌های مختلف توجه نماید.

تلاش برای طرح جامع‌نگرانه، مورد اهتمام مفسران موضوعی معاصر است؛ ازجمله آیت‌الله سبحانی در **منشور جاوید** معتقد است که یکی از علل پیدایش مکتب‌های مختلف عقیدتی در میان مسلمانان، جزءنگری در موضوعات قرآن بوده که سبب گردیده هر گروهی توجه خود را به یک جزء از موضوعات قرآن معطوف داشته و از رشته‌های دیگر غفلت شده است؛ ازاین‌رو، این گروه‌ها در تفسیر مقاصد الهی مرتکب اشتباه‌های جبران‌ناپذیری شده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۳: ۱/۱۹). با توجه به این آسیب، آگاهی از نظر جامع‌الأطراف قرآن دربارهٔ هر موضوع به‌عنوان یکی از اهداف این اثر معرفی شده است.

برای نمونه در جلد چهارم مسئلهٔ عصمت امام را به طور دقیق و جامع از دیدگاه عقل و قرآن بررسی می‌کند و مواردی مانند ریشه‌های اختلاف در عصمت امام، دلیل عصمت امام، موارد استعمال امام در قرآن، مفهوم امام در احادیث را از قرآن استنطاق نموده و نظریات مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد (همان، ۴/ ۴۰۹ـ ۲۳۷).

همچنین آیت‌الله مصباح یزدی در **معارف قرآن** بر لزوم ارائهٔ نگرش جامع و همه‌نگر برای مخاطب و جامعهٔ امروز تأکید کرده (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱/۱۷) و معتقد است نگرش جزئی و تک‌بُعدی به موضوعات قرآن، نه تنها جامعه را به حقایق قرآن و اسلام نزدیک نمی‌کند، بلکه راه‌هایی را به مقاصد شیطان باز خواهد کرد؛ چراکه گروه‌هایی وجود دارند که به گمان خود، افکار باطل را با آیات قرآن اثبات می‌کنند. در چنین شرایطی، یک‌سونگری و پرداختن جزءنگر به موضوعات قرآن [اگرچه دارای فواید و آثار مثبتی است،

اما] نمی‌تواند برای شناخت معارف قرآن در سطح عموم جامعه مؤثر باشد و راه را برای منحرفانی که دشمن اسلام و حکومت اسلامی هستند، باز خواهد کرد تا مقاصد و افکارشان را با قرآن تطبیق دهند یا با روش‌های مختلف از آن استفادهٔ ابزاری کنند (همان، ۱۷ـ۱۸).

ایشان در مبحث انسان‌شناسی، گرایش انسان‌ها را به‌طور کامل بررسی می‌کند و به مواردی چون غرایز، عواطف، انفعالات، احساسات، ترکیب امیال، تعارض امیال، خواسته‌های پَست، شخصیت‌طلبی و معیار انتخاب اشاره می‌کند (همان، ۴۱۲ـ۴۲۰) که نمونه‌ای از نگرش جامع به موضوعات قرآن است.

آیت‌الله مکارم شیرازی در **پیام قرآن** تصریح کرده است که یکی از اهداف تدوین این اثر، به‌دست آوردن یک تفسیر جامع دربارهٔ موضوعات مختلفی، مانند توحید و خداشناسی، معاد، عبادت، جهاد، حکومت اسلامی و موضوعات مهم دیگر بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۴/۱). برای مثال در جلد دهم، موضوع حکومت اسلامی را در ده بخش، شامل: اسلام و مسئلهٔ جنگ، آداب اسلامی در جمع‌آوری مالیات، صرفه‌جویی در همه چیز، بزرگی در فضیلت است نه سن‌وسال، رفعت و شفقت اسلامی در مردم، تکیه بر توده‌های مردم، رایزنی دائم با آگاهان، فرهنگ حاکم بر دستگاه قضایی، ارتباط مستقیم با مردم و توجه دقیق به حال محرومان آورده که نشان از نگرش جامع در طرح موضوع است (همان، ۱۰/ ۱۲۳ـ۱۳۸).

همچنین در جلد هشتم، به اعجاز قرآن و علوم روز و اکتشافات علمی در شانزده ریزموضوع پرداخته شده است (همان، ۸/ ۱۵۱ـ۲۰۴). البته انتظار پرداختن به تمام علوم طبیعی و خواص اشیاء از قرآن نادرست است؛ چراکه برای این مقصود نازل نشده است.

با توجه به دیدگاه‌های مطرح‌شده، می‌توان جامع‌نگری در طرح موضوع را به‌عنوان یکی از اصول تفسیر موضوعی معاصر معرفی نمود.

۳. طرح نظام‌مند موضوعات

یکی از مسائلی که در بیشتر تفاسیر موضوعی درنظرگرفته شده، طرح موضوعات با نظمی خاص است؛ «یکی از محورهای مهم تفاسیر موضوعی در دورهٔ معاصر، تفاسیر موضوعی است که با ادعای ارائهٔ ساختار روشمند، معارف قرآن را به صورت گسترده و فراگیر مورد کنکاش قرار داده‌اند» (نصیری، ۱۳۸۴: ۸۷). در این کاربرد «مفسرِ موضوعی در یک نگرش کلی و فراگیر وقتی به مجموعهٔ قرآن می‌نگرد، به‌ظاهر در پی دستیابی به اطلاعات از درون قرآن است، اما ازآنجا که می‌کوشد از درون این اطلاعات، نظریه‌های اساسی قرآن را پیرامون موضوعات و مسائل مختلف به‌دست آورد، در افقی وسیع و بالاتر، قرآن را مجموعه‌ای نظام‌مند و متسق می‌یابد؛ براین مبنا که خداوند به بهانه‌های مختلف به طرح سخن در آن موضوع پرداخته است، اما نظر بر این بوده که سخن در آن زمینه اشباع شود» (جلیلی، ۱۳۸۷: ۱۸۶). ازاین‌رو، در نگاه مفسرِ موضوعی، نوعی نظام‌وارگی و ارتباط در آیات قرآن مشاهده می‌شود. در غیر این‌صورت مفسر را با معارفی پراکنده مواجه می‌سازد که تعارضات و نزاع‌های مذهبی و فرقه‌ای را درپی خواهد داشت (صدر، ۱۳۹۹: ۱۰ـ۱۱).

آن بخش از آثار تفسیر موضوعی که از جامعیت نسبی برخوردارند در تنظیم بخش‌های مختلف از دسته‌بندی صوری و عام فراتر رفته و برای طرح موضوعات از یک نظام و طرح کلان پیروی نموده‌اند. در این طرح معمولاً علاوه بر نظم هربخش ذیل یک عنوان کلی، عناوین کلی نیز دارای پیوند معقولی هستند و نظام جامعی را شکل می‌دهند که ارتباط منطقی یا طبیعی هربخش، با دیگر بخش‌ها تعیین شده و در واقع هریک خرده‌نظامی را می‌سازد که در درون آن نظام جامع، دارای ارتباطات دقیق و منطقی و یا طبیعی با دیگر بخش‌هاست. آیت‌الله مصباح یزدی در **معارف قرآن** می‌نویسند:

ما باید معارف قرآن را به‌صورت سیستماتیک و منظم عرضه کنیم؛ به‌صورتی که پژوهشگر بتواند زنجیروار حلقه‌های معارف اسلامی را به‌هم ربط بدهد و درنهایت به آنچه هدف قرآن و اسلام است، نائل شود. پس ناچاریم معارف قرآنی را دسته‌بندی کنیم و به

آن‌ها شکلی بدهیم تا آموختن آن‌ها آسان و در مقابل نظام‌های فکری دیگر قابل عرضه باشد.

ایشان ارائهٔ مطالب به‌صورت نامنظم و پراکنده را یکی از آسیب‌های تفسیر موضوعی دانسته و طرح موضوع منظم را به‌عنوان یکی از اهداف خود در **معارف قرآن** معرفی نموده و می‌نویسند:

آنچه عرضه می‌کنیم باید استنادش به قرآن جای هیچ شکی نداشته و درعین‌حال پراکنده و بدون ارتباط و نظم هم نباشد؛ زیرا اگر مطالبی را پراکنده عرضه کنیم، یادگیری مشکل است و فایده‌ای را که از یک نظام فکری صحیح در مقابل نظام‌های فکری غلط انتظار داریم، نخواهد داشت. همهٔ مکتب‌های منحرف کوشیده‌اند به افکار و اندیشه‌های خود شکل و نظامی بدهند؛ یعنی برای مطالبشان ریشه‌ای معرفی کنند و با ارتباط و پیوند منسجم، یک کل منظم و هماهنگ به وجود آورند. ما که در جهت صحیح هستیم، در مقابل آن‌ها عیناً باید همین کار را بکنیم.

ایشان در این خصوص با ذکر نمونه آورده‌اند:

پیدا کردن عنوانی کلی برای مفهوم یک یا چند آیه، مثلاً آیاتی که دربارهٔ نماز یا جهاد یا امر به معروف و نهی از منکر است، کار مشکلی نیست، ولی شکل دادن و گنجانیدن عناوین در یک نظام مشکل است. مثلاً آیهٔ اول قرآن، حمد خداست، پس اولین عنوان حمد خداست و آیات اول سورهٔ بقره راجع به کسانی است که هدایت شامل حال آنان می‌گردد، عنوان دیگر هدایت خواهد بود و همین‌طور دیگر عناوین. آیا به همین ترتیب عناوین را دسته‌بندی کنیم یا می‌توان دربین این‌ها نیز نظامی برقرارکرد؟ این عناوین را می‌توان تحت عناوین کلی‌تری مندرج کرد؛ مثلاً نماز، روزه، خمس و زکات را تحت عنوان «عبادات» و بیع، اجاره و قرض را تحت عنوان «معاملات» قرار داد. آنگاه خود این عناوین کلی را چگونه تنظیم کنیم و چه رابطه‌ای بین آنها در نظر گیریم، مسئله‌ای است که باید با دقت به آن پرداخته شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱/۱۹_۲۱).

آیت‌الله مکارم شیرازی در **پیام قرآن**، این‌گونه پرداختن به قرآن را «تفسیر ارتباطی یا

زنجیره‌ای» نام نهاده و آن را روشی ارزنده برای کشف حقایق تازه از چگونگی روابط موضوعات، معرفی کرده و نوشته است:

نوعی دیگر از تفسیر که ما آن را تفسیر ارتباطی یا زنجیره‌ای نام نهاده‌ایم، آن است که موضوعات قرآن را در ارتباط با یکدیگر ببینیم؛ مثلاً بعد از آنکه موضوع ایمان، تقوا و عمل صالح به‌طور جداگانه در تفسیر موضوعی مورد بررسی قرار گرفت، این سه در ارتباط با یکدیگر با توجّه به آیات قرآن و اشاراتی که در آن است، تفسیر می‌شود و حقایق تازه‌ای از چگونگی رابطهٔ این‌ها با یکدیگر برای ما کشف می‌گردد که بسیار ارزنده و راهگشاست. این نوع تفسیر، موضوعات را همانند مجموعهٔ به‌هم پیوسته عالم هستی، در ارتباط با هم بررسی می‌کند و روشی صحیح برای مطالعه است.

وی در این مورد آورده است:

می‌دانیم که طرز صحیح مطالعهٔ عالم آفرینش و موجودات هستی آن است که آن‌ها را در رابطهٔ با یکدیگر ببینیم؛ خورشید، ماه، زمین، آسمان و جوامع انسانی، در حقیقت موضوعاتی جدا از هم نیستند و طرز مطالعهٔ صحیح آن‌ها این است که همه در ارتباط با هم مورد بررسی قرار گیرند. در کتاب تدوین [یعنی قرآن مجید] نیز مطلب همین‌گونه است و رابطهٔ دقیق و ظریفی در میان تمام موضوعات قرآنی وجود دارد و باید آن‌ها را در ارتباط با یکدیگر، مورد بررسی قرار داد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۱/ ۱۸ـ ۱۹).

ایشان در جلد نهم به موضوع امامت پرداخته، ابتدا آن را شرح می‌دهد و در خصوص اصول و فروع بودن و اینکه امامت از چه زمان آغاز شده، بحث می‌کند. سپس به فلسفهٔ وجود امام می‌پردازد و به‌صورت زنجیروار امامت را در آیات و روایات دنبال کرده، منابع علمی امام را توضیح می‌دهد؛ در ادامه به ولایت تکوینی و امامت خاص اشاره می‌کند و به همین ترتیب نظام‌مند تمامی سؤالات و شبهات را با استناد به آیات مرتبط پاسخ داده، در نهایت با طرح موضوع امام عصر و لزوم حکومت صالحان و فلسفهٔ انتظار، این مبحث را جمع‌بندی می‌کند و خاتمه می‌دهد (همان، ۹/ ۱۹ـ ۴۲۱).

آیت‌الله سبحانی با تأکید بر لزوم توجه مفسر به طرح نظام‌مند موضوعات قرآن، معتقد

است اگرچه در ظاهر، موضوعات سوره‌های قرآن از پیوستگی کاملی برخوردار نیست و در هر سوره یک رشته مطالب مختلف در کنار هم مطرح شده‌اند؛ امّا پس از دقّت بیشتر روشن می‌شود که میان مطالب سور ارتباط و پیوستگی خاصی وجود دارد. دقّت در مفاد آیات و قرینه‌های مختلف، سبب کشف روابط میان موضوعات شده و زمینهٔ شناخت مفاهیم بلند عقلی قرآن را میسر می‌سازد (سبحانی، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۷ـ۲۱).

در جلد سوم، موضوع بعثت به‌صورت نظام‌مند در زیر فصل‌هایی با عناوین امکان بعثت، لزوم بعثت، واژه‌های قرآنی نبوت، وحی و اقسام آن، عصمت رسولان از دیدگاه متکلمان و قرآن، اعجاز و راه‌های اثبات آن و سنت‌های الهی در زندگی پیامبران بیان شده است (همان، ۳/ ۵۲۳).

آیت‌الله جوادی در **تفسیر موضوعی قرآن** با طرح موضوعات در چند محور، رابطهٔ میان آن‌ها را تبیین نموده است؛ در جلد نخست ضمن طرح مباحث مقدماتی در زمینهٔ شناخت قرآن، شاکلهٔ موضوعات قرآن را معرفی می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱/ ۲۵ـ ۴۵۸). سپس در قالب محورهای توحید و خداشناسی، مبدأ و معاد، نبوّت عامه و سیرهٔ انبیاء، انسان‌شناسی، جامعه، معرفت‌شناسی و شناخت‌شناسی و اخلاق، ارتباط هر موضوع (محور) با دیگر موضوعات (محورها) را تبیین می‌کند؛ به‌عنوان نمونه در محور دوم با طرح موضوع خداشناسی و توحید در قالب سه بخش خداشناسی، مراتب توحید و نفی شرک، مباحث مختلف پیرامون آن‌ها را بررسی کرده و سپس ارتباط موضوع خداشناسی و قرآن‌شناسی را نیز تبیین نموده است (همان، ۲/ ۲۲ـ۷۱۳).

دیگر موضوعات و محورها نیز در این اثر به همین سبک مطرح شده است.

بر این اساس، بررسی و ارائهٔ موضوع با ساختار نظام‌مند از ویژگی‌های رویکرد تفسیر عصری در تفاسیر موضوعی معاصر است و مفسر موضوعی می‌کوشد معارف و آموزه‌های قرآن را به‌صورت منظم و در قالب یک نظام جامع و نظام‌مند بررسی کند.

۴. نگرش طولی به موضوعات

ویژگی دیگر تفسیر عصری، طرح موضوعات براساس نظم و ارتباط طولی آن‌هاست. مفسران در دورهٔ معاصر، برای نشان‌دادن کارکرد مؤثر نگرش انسجام متنی در فهم آیات و کشف پیوند میان آن‌ها، با تأکید بر این مسئله که قرآن چهرهٔ منسجم و واحدی دارد، روش‌های متعددی برای کشف مقاصد و اهداف سور و آیات ارائه کرده‌اند که یکی از این روش‌ها نگرش طولی به موضوعات است (مهرداد، ۱۳۹۳: ۷۳ـ۷۹؛ رضاداد، ۱۳۸۸: ۱۰۳ـ۱۱۶).

مفسر با هدف شناخت بهتر موضوع و آشکارسازی ارتباط آن با دیگر موضوعات، مطالب را به‌گونه‌ای مطرح می‌کند که ضمن آشکارسازی ابعاد و زوایای مختلف هر موضوع، ارتباط و پیوند آن با دیگر موضوعات به‌صورت سلسله‌وار حفظ شود. بنابراین، طرح و ارائهٔ موضوعات براساس ارتباط طولی آن‌ها، موجب ساماندهی مطالب و فهم بهتر ارتباط میان آن‌ها می‌شود.

آیت‌الله مصباح یزدی ضمن تأکید بر لزوم پرداختن به این رویکرد، با نقد طرح‌های مختلف برای ارائهٔ موضوع، طرح موضوع به روش طولی را به‌عنوان روش مناسب برای ارائهٔ موضوعات برگزیده و معتقد است که این روش منطبق بر بینش و زبان قرآن در بیان آموزه‌های وحیانی و نظام عینی جهان از منظر اسلامی است و انسجام ساختاری دارد؛ به‌گونه‌ای که مرحلهٔ قبلی زمینه‌ساز مرحلهٔ بعدی و مرحلهٔ بعدی فرعی از مرحلهٔ پیشین است.

از جمله، وی در این باره آورده است:

«می‌توان تقسیمات را نه در عرض هم، بلکه در طول یکدیگر انجام داد؛ یعنی معارف قرآن را مثل یک رودخانهٔ جاری و آبشاری که از منبع فیض الهی سرازیر است و به هر بخشی و مرحله‌ای که می‌رسد، آنجا را سیراب می‌کند، ببینیم... باید معارف قرآن را مثل یک چشمهٔ جاری ببینیم که از مرحله‌ای می‌گذرد و وارد مرحله‌ای دیگر می‌شود که این مراحل، تقسیماتشان طولی است. اول نقطهٔ معیّنی دارد که از آنجا شروع می‌شود و از آنجا

که لبریز شد به مرحلهٔ دوم فیضان می‌کند. و مرحلهٔ دوم فرعی از مرحلهٔ اول است؛ نه اینکه قسیم آن باشد. اگرچه تقسیمات طولی به جایی می‌رسد که پخش می‌شود و شاخه‌هایی پیدا می‌کند، اما اساس بر این است که معارف قرآنی را بر حسب مراتب طولی در نظر بگیریم. همچنین در **معارف قرآن**، نظام طولی موضوعات را به‌صورت ذیل در نظر گرفته‌اند:

۱. خداشناسی؛ ۲. کیهان‌شناسی؛ ۳. انسان‌شناسی؛ ۴. راه‌شناسی؛ ۵. راهنماشناسی؛ ۶. قرآن‌شناسی؛ ۷. اخلاق یا انسان‌سازی قرآن؛ ۸. برنامه‌های عبادی قرآن؛ ۹. احکام فردی قرآن؛ ۱۰. احکام اجتماعی قرآن (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱/ ۱۳ـ۲۴).

ایشان کوشیده است با این روش طرح موضوع، خداشناسی را محور قرارداده و دیگر مراحل را در قالب شاخه‌های موضوعی خداشناسی مطرح نماید؛ از همین‌رو، جلد اول این مجموعه به خداشناسی و صفات الهی اختصاص دارد، جلد دوم و سوم به مخلوق‌شناسی پرداخته است، از این منظر که مخلوقات (آسمان، زمین و انسان) هم به‌عنوان نظامی پیوسته در طول موضوع خداشناسی قابل فرض هستند. سپس راه و راهنماشناسی را مطرح کرده که در ادامهٔ موضوع هدایتگری خداوند قرار دارند. برنامه‌های عبادی و احکام فردی نیز به تبیین وظایف و مسئولیت‌های انسان در برابر خداوند می‌پردازد و در نهایت، حقوق و سیاست و اقتصاد، در ادامهٔ حاکمیت و قانونگذاری خداوند می‌باشد.

بر این اساس در تفسیر موضوعی هر موضوع ریزموضوعاتی دارد که دسته‌بندی آن‌ها، نقشهٔ راه برای استفادهٔ نهایی از آیات است و به نحوی به دسته‌بندی نهایی آیات می‌انجامد. در این مرحله، چنانچه چند دسته ریزموضوعات وجود داشته باشد یا مفسر تفسیر کل آیات قرآن را در نظر داشته باشد، علاوه بر دسته‌بندی مطالب، باید ترتیب منطقی میان دسته‌های مختلف ریزموضوعات (عناوین کلی تفسیر موضوعی جامع قرآن) را نیز مشخص و فهرست محتوایی کلان مباحث را تهیه نماید.

آیت‌الله سبحانی در تفسیر **منشور جاوید** بر ارائهٔ موضوعات مبتنی بر حفظ نظم طولی مباحث تأکید کرده، می‌نویسد:

«تلاش شده در این اثر، نخست آیات مربوط به عقاید را محور بحث و بررسی قرارداده و

توحید در ابعاد گسترده را کلید این گنجینه قرار دهیم و پس از آن، آیات مربوط به اسماء و صفات الهی را مطرح کنیم، و در خاتمه همگام با آیاتی که با نبوّت عامه و خاصه و معاد انسان در ارتباط‌اند، پیش رود، و اگر توانی باقی ماند، مسائل اخلاقی و اجتماعی را از دیدگاه تفسیر موضوعی مورد بررسی قرار دهیم» (سبحانی، ۱۳۸۳: ۲۱).

آیت‌الله مکارم در **پیام قرآن** ضمن اشاره به محدود بودن موضوعات در آثار تفسیری دوره‌های پیشین تصریح کرده با توجه به تنوع و گستردگی موضوعات در این اثر که شامل حوزه‌های مختلفی در زمینهٔ اصول و فروع اسلام، مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی می‌شود، کوشش بر آن بوده است که در چینش و طرح موضوعات، ارتباط طولی آن‌ها با یکدیگر دیده شود و مسائل مرتبط با هر موضوع کلی، به‌صورت یک رشته موضوعات دارای ارتباط طولی، در ادامهٔ یکدیگر مطرح و بررسی شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۱/ ۱۸_۲۰).

چینش طرح موضوعات بر اساس نظم طولی آن‌ها، در **تفسیر موضوعی قرآن کریم** نیز مدنظر بوده و این نظم در چینش مسائل و بخش‌های زیرمجموعه هر موضوع نیز مشهود است؛ به‌عنوان نمونه، مفسر در طرح موضوع مراحل اخلاق در قرآن، ابتدا موانع نظری سیروسلوک اخلاقی را مطرح کرده، سپس موانع عملی را آورده، و در آخر، مانع‌زدایی از سیروسلوک را تبیین کرده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱/ ۲۲_۲۲۰). در نظر داشتن چینش این بخش‌ها و زیرمجموعه‌ها، نشان‌دهندهٔ اهتمام و توجه مفسر به طرح مسائل و موضوعات براساس ارتباط طولی آن‌ها می‌باشد.

بنابراین در تفسیر موضوعی معاصر میان موضوعات و عناصر آن‌ها ارتباط محتوایی وجود دارد و طرح و ارائهٔ موضوعات در یک نگرش جامع، از نظم سلسله‌وار برخوردار است که این سیستم زمینهٔ شناخت بهتر موضوع و پیوند و ارتباط آن با دیگر موضوعات را فراهم می‌سازد. از این‌رو، در این روش، لازم است مفسر پیش از ورود به تفسیر و ارائهٔ مطالب، به روح حاکم بر موضوعات و پیوند میان آن‌ها دست یابد تا بتواند با ارائهٔ سلسله‌وار و طولی مطالب، زمینهٔ شناخت مخاطب از موضوع و دیگر موضوعات مرتبط را تحقق بخشد.

۵. طرح موضوعات برون‌قرآنی

در عصر حاضر، گسترش علوم و نیازهای مختلف انسانی، مسائل متعددی را در ذهن پدید می‌آورد که روش تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی درون‌متنی، برای پاسخگویی مطلوب به آن‌ها کفایت نمی‌کند؛ ازاین‌جهت که در تفسیر موضوعی برون‌متنی و برون‌گرا، مفسر تا حد امکان از پرداختن به موضوعات درون‌متنی وگسترده که موضوعات فراوان در حوزه‌های خردتری را شامل می‌شود، پرهیز می‌کند و به جای آن، رویکرد تحدید دقیق‌تر مسئله و اجتناب از فرانگری را درپیش می‌گیرد. بنابراین، «در رویکرد برون‌متنی، موضوع مورد بحث، عناوین و محورهایی است که در خارج مورد توجّه قرارگرفته و انسانیت در زندگی فردی و اجتماعی با آن‌ها دست به گریبان است و نمی‌داند در این زمینه‌ها دین چه تلقی و تفسیر و رهنمودی دارد و از چه موضعی با آن برخورد می‌کند؛ مانند روابط بین‌الملل، محیط زیست، سلامت معنوی، الگوی مصرف، تولید و توزیع و ده‌ها مسئلهٔ دیگر که می‌خواهد بداند قرآن در این حوزه‌ها پاسخ ورهنمودی دارد یا نه، و اگر دارد، دیدگاه و موضع قرآن چیست؟

باتوجه به موضوعات مطرح شده چنین برمی‌آید که رویکرد این مجموعه‌ها، تفسیر موضوعات درون‌قرآنی است، اما در مواردی مسائل عصری درحوزه‌های مختلف اعتقادی، اجتماعی یا مسائل مربوط به هستی نیز مورد توجه قرارگرفته؛ ازجمله آیت‌الله جوادی آملی در **تفسیر موضوعی قرآن کریم** نیازهای واقع در متن حیات را مدّنظر قرارداده و سپس پاسخ آن‌ها را در قرآن جستجو نموده است. حقوق بشر و روابط بین‌الملل ازجمله مسائلی است که ایشان علاوه بر پرداختن به جنبه‌های مختلف آن درکتاب روابط بین‌الملل در جلد هفدهم **تفسیر موضوعی قرآن کریم** با عنوان **جامعه در قرآن**، زوایای مختلف آن را بررسی نموده‌اند.

همچنین مسائلی همچون قانونگذاری در جامعه، نسبت اسلام با دنیا، مبانی حکومت اسلامی و نظام دموکراسی، آزادی در جامعهٔ اسلامی، آزادی عقیده و بیان وآزادی سیاسی (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۷/ ۱۶_ ۴۹۳) معطوف به همین رویکرد بررسی شده که

نشان‌دهندهٔ توجه مفسر به مسائل و واقعیت‌های عصری و تلاش برای پاسخگویی به آن‌ها با استفاده از رویکرد برون‌قرآنی در تفسیر موضوعی است.

این رویکرد در **پیام قرآن** نیز مورد توجه بوده است؛ نظام فرهنگی حاکم بر حکومت اسلامی، اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی و همزیستی با مذاهب دیگر، رابطهٔ دین و حکومت، جایگاه مجلس شورا و انتخاب نمایندگان از دیدگاه اسلام، نقش مطبوعات در حکومت اسلامی و حکومت اسلامی و سازمان‌های اطلاعاتی (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۱۰/ ۸۸_۴۰۱)، ازجمله موضوعات برون‌قرآنی و مسائل مناقشه‌برانگیز عصر حاضر است که مفسر در این تفسیر، بررسی و تبیین نموده است.

موضوعات برون‌قرآنی و بحث‌برانگیز معاصر در **معارف قرآن** آیت‌الله مصباح یزدی نشان‌دهندهٔ اهتمام مفسر بر پیگیری این رویکرد می‌باشد؛ طرح موضوعاتی همچون پاسخگویی به شبهات جبر فلسفی، جبر تاریخی و جبر اجتماعی، ترانس فیزیکی و ماوراء طبیعی، انسان‌شناسی و ارتباط آن با مسائل اخلاقی و شناخت انسان و ارتباط آن با احکام اجتماعی (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۳/ ۳۱۹_۴۱۱)، نمونه‌ای از موضوعات برون‌قرآنی مطرح شده در این اثر می‌باشند.

همین صبغه در **تفسیر منشور جاوید** پیگیری شده و بسیاری از موضوعات برون‌قرآنی در آن پاسخ داده شده است؛ موضوعاتی همچون نقد دیدگاه مکتب ماشینیزم مبنی بر کافی بودن کشف روابط حاکم بر جهان ماده (روابط پدیده‌ها) برای پیشرفت انسان (سبحانی، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۹_۳۱)، نقد دیدگاه‌های مارکسیسم در قالب مذهب (همان، ۵۲_۵۴)، اخلاق جنسی در غرب و نظریهٔ راسل (همان، ۱۳/ ۱۱۷_۱۱۹) و نقد نظریات اگوست کنت (همان، ۱۴/ ۱۱۹_۱۲۳) ازجمله مباحث برون‌قرآنی معاصر هستند که در این اثر مطرح شده‌اند.

درمجموع، چنین برمی‌آید که بررسی و تبیین موضوعات برون‌قرآنی دورهٔ معاصر یکی از رویکردهای مورد توجه مفسران بوده و می‌توان این رویکرد را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم تفسیر عصری در تفاسیر موضوعی معاصر برشمرد.

۶. توجه به علوم انسانی

علوم انسانی دریک معنای کلی و عام، مجموعه دانش‌هایی است که ناظر به حالات، شئون، افعال و رفتارهای انسان می‌باشد؛ اعم ازفردی یا اجتماعی. یکی ازکارکردهای اصلی علوم انسانی، فهم وکشف معنای کنش‌های انسانی است (دیلتای، ۱۳۸۸: ۱۲۶). جدای از گرایش‌ها و مکاتب، دانش‌هایی همچون اقتصاد، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، قوم‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخ، تعلیم و تربیت، سیاست، باستان‌شناسی، فقه اللغه، شناخت فنون، جنگ‌شناسی و اسطوره‌شناسی، به عنوان شاخه‌های علوم انسانی دسته‌بندی می‌شوند.

علوم انسانی شناخته شده و به‌عبارتی علوم انسانی رسمی امروز، اگرچه به لحاظ متدلوژی و خاستگاه فلسفی، همچون علوم طبیعی، خود بخشی ازعلوم تجربی به‌شمار می‌آیند، اما ساحت‌های این علوم واهداف وغایات مترتب برآن‌ها می‌تواند وجه افتراق و جدایی آن‌ها باشد. موضوع علوم طبیعی، طبیعت بدون اراده واختیاراست، اما موضوع علوم انسانی، انسان با اراده، اختیاروشعوراست. به لحاظ هدف نیزهدف اساسی علوم طبیعی، شناخت طبیعت وکشف روابط بین پدیده‌های آن است که قابل پیش‌بینی است، اما هدف علوم انسانی، شناخت رفتارها وروابط انسان‌هاست که با توجه به اراده و اختیارآن‌ها کمترقابل پیش‌بینی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۵/ ۳۷۷).

یکی ازواقعیت‌هایی که باید مورد توجه قرارداد، این است که علوم انسانی به عنوان یک مجموعهٔ خاص هنوزشکل نگرفته است؛ این علوم هنوزنظامی بنا نکرده است که در آن حقایق منفرد بتواند طبق نسبت وابستگیشان به حقایق دیگروتجربه، ترتیب وانسجام یابند. علوم انسانی در نظام‌وارگی خاصی که ناشی از شناخت انسان، هستی، اهداف و غایات آن باشد تاکنون شکل نگرفته و با مجموعه‌ای جزیره‌ای ازاحکام و گزاره‌های متشتت روبه‌روست که شاید تشتت‌ها و پاشانی‌های جامعهٔ بشری ورنج‌ها وآلام برآمده از آن، ناظربه این خصیصه و برآیندی ازاین نقص باشد. این نقص و تشتت در میان شاخه‌های مختلف علوم انسانی نیزوجود دارد وهرشاخهٔ خاص ازعلوم انسانی، واقعیت

اجتماعی و تاریخی را به نحو نسبی، با آگاهی از پیوند خود با دیگر علوم انسانی می‌شناسد (دیلتای، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

قرآن به عنوان معجزهٔ نبی خاتم ﷺ، نسبت به معجزات دیگر پیامبران که از سنخ امور طبیعی (حسی) بوده‌اند، از نوع امور عقلی است و این امور نوعاً در علوم انسانی قابل تبیین است. همچنان‌که رسالت قرآن، ارائهٔ برخی افکار و اندیشه‌ها به نوع بشر بوده که هم خاستگاه الهی و قدسی دارد و هم در جامعهٔ بشری که نوعاً از آن به‌عنوان علوم انسانی یاد می‌شود، متکفل پاسخگویی و ارائهٔ راه‌حل برای مشکلات و چون به قرآن مراجعه کند، پاسخ‌هایی را دریافت می‌دارد که گویی زمان و مکان و محدودیت‌های بشری را درنوردیده و در هر زمان و مقطع، تازه و با طراوت فراروی انسان است. تناسب عصری اعجاز قرآن کریم در قلمرو علوم انسانی نیز همین اقتضاء را دارد، اما سازوکار و مکانیزم استخراج، استنباط و ارائهٔ این دستاوردهای قرآنی تاکنون نوعاً مغفول مانده است (عباسی‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۸۵ـ ۲۸۸).

اگر چه تعمیق پژوهش موضوعات قرآنی با تعمیق تحقیقات در عرصهٔ دانش بشری به‌خصوص در شاخه‌های مختلف علوم تجربی از جایگاهی مهم و بایسته در قرآن‌پژوهی برخوردار است (نصیری، ۱۳۸۴: ۹۱)، اما در دورهٔ معاصر، توجه به این مبنا که رسالت قرآن کریم ارائهٔ اندیشه‌های قدسی متناسب با بشر و پاسخگویی به مسائل جامعهٔ بشری است، به‌عنوان یکی از ضروریات بازپژوهی قرآن و تحقیقات قرآنی مفروض است.

قرن حاضر شاهد ظهور و بروز مکاتب بشری در حوزه‌های مختلف جهان‌بینی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و مدیریت جامعهٔ بشری و... است که همهٔ این مکاتب داعیهٔ حل مسائل بشری و ارائهٔ طریق برای بهتر اداره کردن جهان، انسان و حیات انسانی را دارند، اما در همان حال این مکاتب از محدودیت‌های عقل بشری رنج می‌برند. در چنین شرایطی این قرآن است که به عنوان ودیعهٔ آسمانی که رسالت هدایت و راهنمایی بشر را برعهده دارد، می‌باید نقش ایفا کند و آن‌گونه که باید، به صحنه بیاید. همچنین هجوم شبهات به حریم و ساحت قرآن، ضرورت رویکردی جدید را برای عرضهٔ

پرسش‌های فکری وگره‌های موجود درزندگی برقرآن ودریافت پاسخ قرآن درقالب نظریه و نظام ومکتب، به‌صورت مجموعه‌ای منسجم ایجاب می‌کند (مرکزفرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۳۶۵).

شهید محمدباقرصدرمعتقد است که درعصرحاضرمسلمانان نیازمند استخراج و تنظیم نظراسلام دربارهٔ همهٔ رشته‌ها وشاخه‌های معرفت انسانی هستند تا درمواجهه با دیدگاه‌های فراوانی که دانشمندان مغرب‌زمین درزمینه‌های مختلف عرضه می‌کنند از دیدگاه اسلام با خبربوده، ازآن دفاع کنند؛ همچنین نیازمند آن هستند که دیدگاه و حکم اسلام را دربارهٔ موضوعات جدید و تجاربی بدانند که بشردر زندگی به آن‌ها رسیده است و تفسیرموضوعی تنها راهی است که انسان معاصررا قادرمی‌سازد دربرابرموضوعات گوناگون زندگی بشربه نظریه‌های اساسی اسلام وقرآن دست یابد. مفسران ومتفکران مسلمان در رویارویی با مکاتب غربی می‌باید اسلام را آن‌گونه که هست، به‌عنوان یک نظام و مجموعهٔ منسجم ویک مکتب زنده وسازنده شناسایی ومعرفی نمایند. ازاین‌رو، موافقان تفسیرموضوعی درتأیید آن براین نکته اصرار دارند که تفسیرموضوعی تنها روش صحیح و جامع برای پاسخگویی به نیازهای عصراست و مدعی هستند اگرقرارباشد که دین اسلام را به عنوان یک مکتب زنده وزندگی‌ساز دربرابردیگرمکاتب عرضه داریم، ناگزیریم ازاین روش استفاده کنیم؛ چراکه روش تفسیرترتیبی با وجود ویژگی‌های مثبت، کافی نیست و از ارائهٔ یک شناخت جامع، ناتوان است (صدر، ۱۳۹۹: ۳۳).

این رویکرد مورد توجه دیگرمفسران معاصرنیزقرارگرفته است؛ ازجمله آیت‌الله مصباح یزدی با تأکید برلزوم استفاده ازتفسیرموضوعی برای پاسخگویی به مسائل فردی واجتماعی و عرضهٔ معارف قرآن برای پاسخگویی به شبهات ومقابله با مکاتب مخالف اسلام، می‌نویسد:

استقبال گستردهٔ قشرهای تحصیل‌کرده برای آگاهی ازدیدگاه‌های قرآن درزمینه‌های مختلف فردی واجتماعی به خصوص پس ازانقلاب اسلامی، لزوم عرضهٔ معارف قرآن و اسلام درقالب نظریه دربرابرمکاتب رقیب ومقابله با تحریف‌ها وشبهه‌افکنی دشمنان

اسلام درکارآمدی قرآن، همچنان‌که ضرورت تفسیر موضوعی را در عصر حاضر آشکار می‌سازد، سبب توجه بیش از پیش مفسران معاصر به تفسیر موضوعی شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱/ ۱۹).

امروزه از مهم‌ترین دغدغه‌های بشری، مسائل، پرسش‌ها و شبهاتی است که بشر پاسخ و علاج آن را در علوم انسانی جستجو می‌کند و از آنجا که مکاتب و علوم انسانیِ برآمده از آن‌ها دچار گسست‌هایی جدی در زمینهٔ مبانی و عدم تناسب متدلوژی با موضوع و غایت است، مفسر که قرآن کریم را به‌عنوان مرجعیت علمی لازم در حوزهٔ علوم انسانی یافته است، می‌کوشد در پرتو پیام‌ها و حکمت‌های این کتاب هدایتگر، حل معضلات و مسائل جامعه بشری را جستجو نماید و پاسخ گوید. البته با وجود گسست‌ها و خلأهای جدی در علوم انسانی، استفاده از این علوم در تفسیر، به عنوان یکی از ابزارهای مهم و لازم برای معرفت‌شناسی، امکان تحقیق، تنقیح و فهم بهتر معارف و گزاره‌های قرآن، مورد توجه مفسران قرار گرفته است؛ همچنان‌که پیدایش گرایش‌های نوینی همچون تفسیر تربیتی، تفسیر اقتصادی، تفسیر سیاسی، تفسیر مدیریتی، تفسیر حقوقی و... در عصر حاضر از نتایج توجه به علوم انسانی و بهره‌گیری از این علوم در حوزهٔ تفسیر است.

نتیجه‌گیری

براساس آنچه یاد شد، در دورهٔ معاصر عوامل و انگیزه‌های مختلفی سبب شده است که مفسران از روش و قالب تفسیر موضوعی، برای طرح مسائل استفاده کنند. پیدایش مکاتب فکری و گرایش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و طرح پرسش‌های جدید در عرصهٔ زندگی انسان معاصر و هجوم شبهات به حریم و ساحت قرآن و مسائل مختلف اسلامی به ویژه در حوزه‌های اجتماعی، محدودیت و ناکارآمدی تفسیر ترتیبی و مشاهدهٔ انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در مقابل رشد تمدنی غرب و استقبال گسترده قشر تحصیل‌کرده برای آگاهی از دیدگاه‌های قرآن در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی به‌خصوص پس از انقلاب اسلامی، از جمله مهم‌ترین این عوامل و انگیزه‌هاست که

مفسران را برآن داشت تا بیش از پیش با استفاده از روش تفسیر موضوعی به قرآن نظر کنند و به میزان بهره‌مندی از علوم و تجربیات بشری، برای حل مشکلات و مسائل عصر خود به قرآن رجوع کرده، پاسخ مسائل خود را از آن دریافت کنند.

از بررسی تفاسیر موضوعی معاصر، به‌خصوص چهار تفسیر موضوعی **منشور جاوید**، **معارف قرآن**، **پیام قرآن** و **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، روشن گردید که تفسیر عصری، از مهم‌ترین رویکردهای تفسیری است که در آن مفسران معاصر کوشیده‌اند با استفاده از ظرفیت‌ها و کارکردهای تفسیر موضوعی، دیدگاه قرآن را دربارهٔ موضوعات و مسائل مختلف مورد نیاز بشر امروز به‌دست آورند.

همچنین رویکرد تفسیر عصری در این آثار، از ویژگی‌هایی همچون نگرش فراگیر به موضوعات، طرح نظام‌مند موضوعات، جامع‌نگری در طرح موضوع، طرح موضوعات برون‌قرآنی و توجه به علوم انسانی برخوردار است.

منابع و مآخذ

۱. ابوخمسین، هاشم، ***التفسیر التربوی للقرآن الکریم؛ المبانی و الاتجاهات***، مرکز المصطفی العالمیه، قم، ۱۳۹۰ش.

۲. احمدی، حبیب‌الله، ***پژوهشی در علوم قرآن***، فاطیما، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.

۳. ایازی، محمدعلی، «تفسیر موضوعی چیست؟»، ***پیام جاویدان***، شمارهٔ ۱، زمستان ۱۳۸۲ش، ص ۶۶_۷۳.

۴. ـــــــــ، ***قرآن و تفسیر عصری***، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.

۵. جلیلی، هدایت، ***تفسیر موضوعی***، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷ش.

۶. ـــــــــ، ***روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن***، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۲ش.

۷. جوادی آملی، عبدالله، ***انتظار بشر از دین***، مرکز چاپ و نشر اسراء، قم، ۱۳۹۳ش.

۸. ـــــــــ، ***تفسیر موضوعی قرآن کریم***، مرکز چاپ و نشر اسراء، قم، ۱۳۹۰ش.

۹. حکیم، محمدباقر، ***علوم القرآن***، ترجمهٔ محمدعلی لسانی فشارکی، تبیان، تهران، ۱۳۷۸ش.

۱۰. ***دایرة المعارف الاسلامیه***، ترجمهٔ احمد شنتاوی و همکاران، دار المعرفه، بیروت، ۱۹۳۳م.

۱۱. دیلتای، ویلهم، ***مقدمه بر علوم انسانی***، ترجمهٔ منوچهر صانعی دره‌بیدی، ققنوس، تهران، ۱۳۸۸ ش.

۱۲. ذهبی، محمدحسین، ***التفسیر و المفسرون***، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۶ق.

۱۳. رجبی، محمود، «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح»، ***قرآن‌شناخت***، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۱ـ ۱۴۶.
۱۴. رضاداد، علیه، «روش‌های نوین در عرصه تفسیر قرآن» ***پژوهش دینی***، شمارهٔ ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۰۳ـ ۱۱۶.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «شیوه‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم»، ***پژوهش‌نامهٔ قرآن و حدیث***، شمارهٔ ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۶ش، ص ۲۹ـ ۴۸.
۱۶. ـــــــــ، ***منطق تفسیر***، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۲ ش.
۱۷. رفیعی محمدی، ناصر، ***تفسیر علمی قرآن***، انتشارات فرهنگ گستر، تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۸. سبحانی، جعفر، ***منشور جاوید***، کتابخانه صدر، اصفهان، ۱۳۸۳ش.
۱۹. شرقاوی، عفت، ***الفکر الدینی فی مواجهة العصر (اتجاهات التفسیر فی العصر الحدیث)***، دار العودة، بیروت، چاپ سوم، ۱۹۷۹م.
۲۰. صدر، محمدباقر، ***المدرسة القرآنیة: التفسیر الموضوعی و التفسیر التجزیئی فی القرآن الکریم***، دار التعارف، بیروت، ۱۳۹۹ق.
۲۱. ـــــــــ، ***سنت‌های تاریخ و فلسفهٔ اجتماعی در مکتب قرآن***، انتشارات رجا، تهران، ۱۳۶۹ش.
۲۲. عباسی‌نیا، سعید، «تفسیر تجزیه‌ای و تفسیر موضوعی»، ***گلستان قرآن***، شمارهٔ ۲۵، مهر ۱۳۷۹ش، ص ۳۶ـ ۳۹.
۲۳. ـــــــــ، ***مجموعه مقالات اعجاز علمی و نظریه‌پردازی***، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۶ ش.
۲۴. علوی‌مهر، حسین، ***آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران***، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۴ش.
۲۵. فتح‌الله سعید، عبدالستار، ***المدخل الی التفسیر الموضوعی***، دار التوزیع و النشر الاسلامیه، قاهره، ۱۴۱۱ ق.
۲۶. فرامرز قراملکی، احد، ***روش‌شناسی مطالعات دینی***، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۰ش.
۲۷. مسلم، مصطفی، ***مباحث فی التفسیر الموضوعی***، دار القلم، دمشق، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی، ***معارف قرآن***، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، قم، چاپ هفتم، ۱۳۹۳ش.
۲۹. معرفت، محمدهادی، ***التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب***، ترجمهٔ علی نصیری و علی خیاط، مؤسسه فرهنگی التمهید، قم، ۱۳۷۹ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، ***پیام قرآن: روش تازه‌ای در تفسیر موضوعی قرآن***، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ نهم، ۱۳۹۲ش.
۳۱. مؤدب، رضا، ***روش‌های تفسیر قرآن***، اشراق، قم، ۱۳۸۰ش.

۳۲. مهرداد، عباسی، «نگرش ساختاری به سوره‌های قرآن»، ***کتاب ماه ـ دین***، شمارهٔ ۸۷، ۱۳۸۳ش، ص ۷۳ـ۷۹.
۳۳. نصیری، علی، «مبانی کلامی تفسیر موضوعی»، ***اندیشهٔ نوین دینی***، شمارهٔ ۳، زمستان ۱۳۸۴ش، ص ۷۳ـ۱۰۵.
۳۴. هادوی‌نیا، علی‌اصغر، «علم و دین در پرتو تفسیر موضوعی ـ علمی قرآن کریم (کاربرد آن در اقتصاد)»، ***اندیشهٔ دینی***، شمارهٔ ۲۵، زمستان ۱۳۸۶ش، ص۲۱ـ ۵۰.
۳۵. یساقی، علی‌اصغر و محمدعلی ایازی، «تحلیل مبانی و رویکرد شهید صدر به تفسیر موضوعی»، ***فصلنامهٔ فقه و تاریخ تمدن***، شمارهٔ ۲۵، پاییز ۱۳۸۹، ص۱۹۶ـ ۲۱۷.